

آینده برجام در دولت رئیسی چه می‌شود؟

ادامه مذاکرات هسته‌ای با دولت رئیسی برای چند سال متوالی بدون اینکه در این مدت نتیجه‌ای به دست آید، برای دولت امریکا گزینه بدی نیست.

به گزارش سایت خبری پرسون، رضا غیث‌شاهی نوشت:

پیش‌بینی می‌شود مذاکرات هسته‌ای در دولت رئیسی ادامه یابد بدون اینکه به موفقیت یا شکست برسد. صرفاً ادامه می‌یابد بدون کسب نتیجه.

ظریف در داخل و منابعی در خارج از کشور، توقف موقت مذاکرات وین (احیای برجام) در دولت روحانی را اعلام کردند. قرار است این مذاکرات در دولت رئیسی از سرگرفته شود.

سوال اساسی این است این مذاکرات در دولت رئیسی چه سرانجامی خواهد داشت؟ توافق به دست می‌آید و تحریم‌های اساسی علیه ایران برداشته می‌شود و اقتصاد ایران دوباره شرایط عادی خواهد داشت؟ این بهترین احتمال ممکن است و بسیاری امید دارند حداقل با یک‌دست شدن قدرت، برای اثبات کارایی دولت رئیسی، با در پیش گرفتن انعطاف‌پذیری، موفقیت در مذاکرات به دست آید.

یا اینکه مذاکرات به صورت فرسایشی و بی نتیجه تا آخر دولت رئیسی ادامه می‌یابد؟ یا شکست مذاکرات احیای برجام اعلام می‌شود و مذاکرات بدون نتیجه به پایان می‌رسد؟

به نظر می‌رسد گزینه دوم روی خواهد داد. یعنی به مانند دوره مذاکرات هسته‌ای سعید جلیلی (سال‌های ۸۶ تا ۹۲)، مذاکرات تا انتهای دوره ریاست جمهوری رئیسی ادامه می‌یابد بدون اینکه توافق به دست آید یا شکست آن اعلام شود.

در نتیجه این روند، تحریم‌های اساسی علیه ایران، برداشته نمی‌شود و شرایط اقتصادی ایران نیز دشوار خواهد شد.

همچنین پیش‌بینی می‌شود امریکا نیز به سیاست دوره اوباما بازگردد. یعنی حرکت همزمان در دو مسیر مذاکرات هسته‌ای و اعمال تحریم‌های جدید در حوزه هسته‌ای و دیگر حوزه‌ها از جمله موشکی، فعالیت‌های منطقه‌ای و حقوق بشر.

اما چرا این اتفاق روی خواهد داد؟

زیرا:

- اصولگرایان از آگاهی و توانایی لازم برای به سرانجام رساندن این مذاکرات برخوردار نیستند. آگاهی و دانایی کافی برای این موضوع را ندارند و حتی اگر این آگاهی را داشتند از توانمندی لازم برای به سرانجام رساندن این مذاکرات برخوردار نبودند.

- مرز میان تبلیغات و واقعیت با نظر و واقعیت یا توهم و واقعیت در میان اصولگرایان به شدت به هم خورده است. در نتیجه بخش مهمی از رفتارها و موضع‌گیری‌ها و حرکت‌های آنها نه براساس واقعیت که براساس تبلیغات و نظر و تخیل است.

علاوه بر این، حجم خبرهای جعلی که آنها باور کرده‌اند نیز به شدت بالاست و این موضوع هم به توانایی و قدرت حرکت و تصمیم‌گیری آنها به شدت آسیب زده و می‌زند.

- تاکنون و براساس خبرهای غیررسمی و مشاهدات از دیدارهای رئیسی، علی‌باقری‌کنی در دولت رئیسی حضور خواهد داشت. باقری‌کنی نفر شماره ۲ در تیم مذاکرات سعید جلیلی بود. از آن زمان تاکنون نیز نشانه‌ای از تغییر موضع بروز نداده است. در نتیجه پیش‌بینی می‌شود مذاکرات دوباره به او سپرده شود.

- بخش مهمی از اصولگرایان معمولاً درک درستی از مذاکره و روش‌های حل مسائل و معضلات ندارند. در نتیجه بسیاری از موضوعات یا اختلافات ساده به سرعت به مشکل، معضل، بحران و ... تبدیل می‌شوند.

- در هر توافقی دو طرف به اهداف حداکثری خود نمی‌رسند بلکه به تحقق میزان کمتر و قابل‌پذیرش از اهداف بسنده می‌کنند. اصولگرایان در این مذاکرات هم به مانند گذشته به دنبال تحقق اهداف حداکثری و حتی تخیلی خواهند بود؛ پس احتمال دستیابی به موفقیت در این گونه مذاکرات به صفر نزدیک می‌شود. ظریف هم به تازگی به این نکته اشاره داشت وقتی گفت: "گرایش حداکثری تنها به مذاکرات فرسایشی و بی‌پایان می‌انجامد."

- اصولگرایان نیز با رقابت داخلی روبه رو هستند. در نتیجه تلاش می کنند از طریق افشاگری و اعمال فشار رسانه ای سیاسی و ... مانع از تحقق پیروزی و موفقیت رقبای هم جناحی خود شوند.

- اصولگرایان در هدف گذاری برای مذاکرات، به دنبال تحقق اهدافی هستند که در عمل امکان پذیر نیست. آنها سعی می کنند به توافقی دست یابند که در مقایسه با توافق برجام قابل مقایسه، بزرگتر و ارزنده تر باشد این روند هم باعث تضعیف تیم مذاکره کننده ایرانی خواهد شد. بعید نیست از سر ناآگاهی تلاش کنند به انتقادات از مذاکرات ظریف جامه عمل ببوشانند که قطعاً بی سرانجام خواهد شد.

- احتمالاً دولت امریکا بدش نیاید به سود دولت اعتدالی یا اصلاح طلب در ایران، انعطاف به خرج دهد تا زمینه دست یابی به توافق به وجود آید اما این روند در برابر دولت اصولگرا نخواهد بود.

- ادامه مذاکرات هسته ای با دولت رئیسی برای چند سال متوالی بدون اینکه در این مدت نتیجه ای به دست آید، برای دولت امریکا گزینه بدی نیست. زیرا هم در مسیر عمل به وعده خود برای بازگشت به برجام گام برداشته؛ هم مسیر مذاکرات باز و فعال است؛ هم عملاً به برجام بازنگشته و رضایت اسرائیل و هم پیمانان منطقه ای جلب می شود و هم تحریم های شدید امریکا علیه ایران حفظ می شود.

- به سود دولت رئیسی و اصولگرایان بود که اجازه می دادند دولت روحانی به توافق هسته ای دست یابد و آنها هم از مزیت های آن بهره مند می شدند و هم بدگویی از این توافق را ادامه می دادند اما ناآگاهی و ناتوانی از سنجش وضعیت امروز و پیش بینی آینده، مانع شد.

- در آینده، تیم مذاکره کننده دولت رئیسی، سختگیری بیشتری به خرج خواهد داد و در مقابل، طرف مقابل در مذاکرات هم به سختگیری های خود خواهد افزود. چون طرف ایرانی به نتیجه نمی رسد برای تحت فشار قرار دادن طرف غربی، فعالیت های خطرناک هسته ای را افزایش می دهد. در واکنش، امریکا و اروپا هم وارد اعمال تحریم های جدیدتر خواهند شد. دو خط موازی مذاکره از یک سو و تحریم و افزایش فعالیت هسته ای از سوی دیگر، شکل می گیرد.

- با خواسته های حداکثری، توهمی و غیرواقعی طرف ایرانی و مقاومت و سرسختی طرف غربی، امکان دست یابی به موفقیت و توافق نیست. از سوی دیگر اگر شکست مذاکرات اعلام شود به لحاظ اقتصادی سیاسی به ضرر دولت رییسی و وضعیت ایران خواهد بود. این شرایط برای اروپا و امریکا هم خوشایند نیست چرا که به معنی بن بست است. در نتیجه به سود دو طرف است که مذاکرات ادامه یابد گرچه امیدی به نتیجه نباشد.

دو نکته دیگر:

- یک احتمال هم وجود دارد که دولت رئیسی برای خروج از سایه برجام روحانی و ظریف، همزمان مذاکرات جدید و مستقیم را با امریکا باز کند. مثل همان اتفاقی که قبلاً با واسطه سلطان قابوس، سلطان عمان انجام شد. این اقدام خوبی است اما از یک سو توانایی های اصولگرایان برای به نتیجه رساندن چنین مذاکراتی زیرسوال است و هم از سوی دیگر آمریکاستیزی آنها به سخره گرفته خواهد شد. علاوه بر این، در این مذاکرات جدید، امریکایی ها سعی خواهند کرد علاوه بر هسته ای، بحث های موشکی و فعالیت های منطقه ای ایران هم مطرح شود که در این صورت، خط قرمزهای تعیین شده داخلی، نقض خواهد شد.

- شرایط سخت اقتصادی و ادامه تحریم ها گرچه برای مردم ایران بد است اما شاید از نظر برخی، زیاد هم بد نباشد. فعالیت کاسبان تحریم رونق بیشتری می گیرد. مطالبات سیاسی اجتماعی و فرهنگی زیرسایه مطالبات اولیه اقتصادی دفن می شود. طبقه متوسط ضعیف و ضعیف تر می شود. مشکلات اقتصادی را هم می توان به گردن تحریم ها و امریکا و ... انداخت.

توجه: مطلب مندرج صرفاً دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.

منبع: عصر ایران